فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۹(۱(پیاپی ۳۳))، ۲۰۰-۱۸۵
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran،
Civilica، RICeST، Ensani
شاپا: ۲۳۴۵-۲۸۷۰

مبانی قطعیت آرای داوری و حقوق شهروندی؛ مطالعه تطبیقی در نظام‌های ملی و بین‌المللی

علی رسول‌زاده فرساد* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

حمیدرضا علومی یزدی دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۹۹/۰۵/۱۷ پذیرش: ۹۹/۰۸/۲۶

چکیده: آغاز قرن بیستم و پس از طی دوران سنتی داوری، مقارن با ورود به دوره تاریخی و حساس حقوق داوری نوین بوده و خصوصاً نیمه دوم قرن بیستم، این نهاد حقوقی با اصل نهایی و قطعی بودن آرای داوری، گوی سبقت و سرعت را از محاکم قضایی ربوده است. حسب مقررات ملی اکثر کشورها و نیز قواعد و مقررات بین‌المللی داوری، چون قواعد آنسیترال و قانون نمونه و مفاد کنوانسیون‌های متعدد و خصوصاً کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک و نیز قواعد داوری سایر مراکز و مؤسسات مهم داوری بین‌المللی چون ICC، اصل و قاعده قطعی بودن آرای داوری، پذیرفته شده و مورد تأیید دکترین حقوق داوری نیز قرار گرفته است. رأی داور یا دیوان داوری چه در داوری‌های ملی و چه در سطح بین‌المللی، علی‌الاصول قطعی و رسیدگی آنها یک مرحله‌ای می‌باشد و قابل تجدیدنظر نیست؛ یعنی هیچ مرجعی مانند محاکم تجدیدنظر در رسیدگی‌های قضایی بالاتر از مرجع داوری وجود ندارد تا بتوان از رأی داوری درخواست ممیزی یا تجدیدنظر کرد. این موضوع هرچند که در مقررات داوری ملی ما به صراحت بیان نشده است، ولی از مسلمات حقوق داوری و مستدل به دلایل حقوقی و مستند به مقررات قانونی است. مع‌الوصف در مواردی چون کشف فساد، حیله و تقلب یا خطای چشمگیر داوری، عدم‌رعایت قوانین شکلی یا ماهوی که مخل صحت رأی داوری و موجب تضییع حقوق یکی از طرفین است، تدابیری اندیشیده شده تا بتوان با طرح دعوی ابطال یا بطلان، رأی داوری را بی‌اعتبار کرد که در این صورت موارد مزبور در قلمرو استثنائات اصل قطعیت آرای داوری قرار می‌گیرد. این مهم از حقوق مسلم شهروندی است که بر اصول کرامت انسانی و صیانت از آزادی‌های غیرقابل سلب و دادخواهی آزادانه در مراجع صالح قانونی است که کسی را نمی‌توان از آن محروم کرد.

واژگان کلیدی: داوری، قطعیت آرای داوری، نهایی بودن آرای داوری، لازم‌الاجرا بودن آرای داوری، قواعد داوری آنسیترال، قانون داوری تجاری بین‌المللی

طبقه‌بندی JEL: F13, E37, O19, F37

* نویسنده مسئول: Ali.Farsad20@yahoo.com

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

۱- مقدمه

پیشرفت‌های علمی و تسهیل ارتباطات موجب گسترش روابط متقابل موجب گسترش روابط متقابل انسان‌ها شده است. از جمله مهم‌ترین جنبه‌های این روابط، روابط تجاری است که تأثیرات مستقیمی از پیشرفت دانش بشری گرفته است. گسترش روابط تجاری در کنار پیچیده شدن این روابط باعث شده است که اختلافات رو به افزایش نهند. دادگاه مهم‌ترین ابزار حل این اختلافات به شمار می‌رفتند اما در کنار دادگاه، روش‌های دیگری نیز وجود داشتند که از جمله آنها داوری است و از لحاظ قدمت بر دادگاه تقدم دارد (هادی دارائی، ۱۳۸۵).

تجربه تاریخی نشان داده است که طریقه حل اختلاف داوری بهترین و کارآمدترین این روش‌هاست. اصولاً ویژگی و شاخصه جذاب نهاد تاریخی داوری این است که به عنوان یک سیستم قراردادی به منظور حل‌وفصل اختلافات، شناخته شده و از قدیم‌الایام مورد اقبال مردم قرار گرفته است. در واقع اساس بنیاد داوری و شالوده و بنیان فلسفی آن، مبتنی بر توافق طرفین اختلاف و منازعه و اعراض از مراجعه به مراجع قضایی است. امروزه نهاد حقوقی داوری گرچه بدیل مناسبی برای رسیدگی‌های قضایی است، اما خود تأسیس بی‌بدیلی است که تضمین‌کننده اصل حاکمیت اراده طرفین منازعه است. طرفین اختلاف می‌توانند بر تمامی فرایند داوری و شرایط حاکم بر آن توافق کنند مگر آنکه توافقات مزبور مخالف قوانین آمره قانون شکلی حاکم بر توافقات داوری بوده باشد. در این راستا و هم‌سو با قواعد و مقررات ملی و بین‌المللی، مهمترین امتیاز و محور بنیادین و اصل حاکم بر حقوق داوری یعنی اصل قطعی و لازم الاجراء بودن آراء صادره در داوری‌های ملی و بین‌المللی است که چون برگ زرینی بر تارک آراء داوری درخشان و نمایان است که همسو با حقوق شهروندی و منبعث از اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی است که موردتأیید تمامی نظام‌های حقوقی قرار گرفته است.

مسئله مهم در این مقاله، یافتن راه‌حل‌های اساسی جهت حل‌وفصل اختلافات حاصله از فعالیت‌های عمومی و خصوصاً بازگانی یا ناشی از قراردادهای تجاری در عرصه ملی و بین‌المللی است. امروزه با توجه به مشکلات محاکم قضایی که با هزینه‌های بالا و کندی و اطاله دادرسی همراه است، نهاد داوری جایگزین مناسبی محسوب می‌گردد و مطلوبیت و اقبال به این نهاد مردمی با فرض قاعده قطعی و لازم‌الاجرا بودن آرای داوری رو به فزونی است. در این راستا سؤالات اصلی این تحقیق آن است که در منظومه حقوق داوری که شامل نظام جامع داوری است، پایگاه حقوقی و جایگاه قانونی قطعیت و لازم‌الاجراء بودن آرای داوری به عنوان یک قاعده حقوقی، کجا و چگونه است و اساساً فلسفه حقوقی ایجادی این قاعده از کجا نشأت گرفته است؟

۲- پیشینه تحقیق

ابراهیمی ترکمان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی پیشینه و ماهیت حقوقی دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده آمریکا پرداخت. دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده آمریکا محصول توافقات بیانیه‌های الجزایر است که برای رسیدگی به اختلافات و دعاوی تشکیل شد. نتایج نشان دادند سه ضابطه برای تشخیص ماهیت بین‌المللی دیوان مطرح شده است که عبارتند از: ۱- سند مؤسس دیوان، سندی بین‌المللی باشد. ۲- قانون حاکم بر آن، حقوق بین‌الملل باشد. ۳- طرف‌های کنترل‌کننده و اختیاردار دیوان، تابعان حقوق بین‌الملل باشند. بدون تردید ماهیت دیوان مزبور با بهره‌مند بودن از هر سه ضابطه بیان شده یک ماهیت بین‌المللی است که با بهره‌گیری از قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل پایه‌گذار رویه‌های مفیدی در حقوق بین‌الملل بوده است.

امینی و منصوری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی مفهوم مدلل و موجه بودن رأی داوری داخلی پرداختند. نتایج نشان دادند اصل موجه و مدلل بودن رأی، یکی از اصول بنیادین دادرسی می‌باشد که نه تنها برای قضات

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

الزام‌آور است، بلکه برای داور هم لازم‌الاتباع است. در واقع، وجه تمایز اصلی رأی فارغ از مرجع یا مقام صادرکننده با دستور اداری، توجیه و استدلال در آن است. به عبارت دیگر موجه و مدلل بودن از اوصاف ذاتی رأی می‌باشد. الزام داور به موجه و مدلل نمودن رأی در داوری داخلی به نحوی است که حتی توافق اصحاب دعوی او را از اجرای این تکلیف معاف نمی‌کند. همچنین واژه‌های مدلل و موجه مترادف نیستند. منظور از موجه بودن یا مستدل بودن رأی این است که قاضی (به معنای عام) تلاشی منطقی برای رسیدن به نتیجه لازم نماید و نظر خود را در رأی، همراه با استدلال حقوقی، منطقی یا عقلی ذکر کند، به نحوی که انسان بی‌طرف، با مطالعه رأی به روشنی دریابد که قاضی برای رسیدن به آن نتیجه، چه اقداماتی انجام داده و به چه جنبه‌هایی از دعوا توجه کرده و آیا تلاش او قانع‌کننده است یا خیر؟ اما منظور از مدلل بودن، به‌کارگیری ادله ابرازی طرفین و نتیجه تحقیقات قانونی انجام شده توسط قاضی در راستای اثبات نتیجه رأی است.

سروی مقدم (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به مقایسه جایگاه دادگاه و داوری پرداخت. نتایج نشان دادند برای حل اختلافات ناشی از قرارداد تجاری بین‌المللی شیوه‌های مختلفی وجود دارد که در میان آنها دو شیوه دادگاه و داوری از اهمیت بیشتری برخوردارند. از جمله نکات مشترک این دو شیوه تشکیل پرونده، رسیدگی، صدور در رأی و غایت اجرای آن می‌باشد. در مقام مقایسه امتیازات و معایب دو روش مزبور، گرچه هریک از صفات منفی خاص خود برخوردار است، لیکن امتیازات داوری نسبت به دادگاه، با توجه به امتیازات مختلف آن، از جمله حق تعیین داور، قانون حاکم و نحوه رسیدگی، کمی هزینه، سرعت، غیررسمی و غیرعلنی بودن، به مراتب بیشتر بوده و لذا بهتر صرفه و صلاح طرفین را تأمین می‌کند.

خدابخشی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی موانع اقتصادی حق دادخواهی در مرجع داوری پرداخت. داوری، به عنوان جایگزین دادگاه دولتی، زمانی موفق به حل‌وفصل عادلانه اختلاف می‌شود که موانع استماع دعوا را برطرف و رفتار برابر با طرفین را تضمین نماید. در هنگام استماع دعوا در دادگاه دولتی، مساعدت‌های قضایی در قالب‌هایی نظیر پذیرش دعوای اعسار به کمک افراد ناتوان می‌آید تا موانع اقتصادی، سبب نقص حقوق اولیه و بنیادینی مانند حق دادخواهی و دفاع از دعوا نشود. چنین مساعدتی، در داوری خالی از اشکال نیست؛ زیرا داوران با دریافت هزینه که گاه قابل‌توجه می‌باشد، حاضر به رسیدگی می‌شوند و نهادهای داوری نیز مقررات سخت‌گیرانه‌ای در این خصوص دارند. وضعیت یکی از طرفین اختلاف که برای دفاع، ناگزیر به اقامه دعوای تقابل است، در صورتی که توانایی پرداخت هزینه داوری را نداشته باشد، روشن نیست. داور بدون هزینه اقدام نمی‌کند و اگر به دعوای او نیز رسیدگی نشود، رأی داوری ممکن است به دلیل نقض حقوق بنیادینی مانند دسترسی به عدالت، باطل گردد. در این مقاله، اشکال مذکور با توجه به رویه قضایی اروپایی و راهکار آن در حقوق ایران بررسی و از تحلیلی دفاع شد که به‌موجب آن، دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوا را خواهد داشت. نتایج نشان دادند رویه قضایی و دکترین خارجی با تحولاتی که حقوق بنیادین و مفاهیم حقوق بشر داشته است، به این سمت گرایش دارند که اولاً مرجع داوری نمی‌تواند به دعوای تقابل، تنها به دلیل نداشتن تمکن مالی، بی‌توجه باشد و لزوم بررسی آن را لازمه رفتار برابر با طرفین می‌دانند، ثانیاً کنترل قضایی خود را نسبت به رأی داور که بدون توجه به این امر صادر می‌شود، با استناد به محدود کردن بدون توجیه حق دادخواهی، اعمال می‌کنند و اجازه نمی‌دهند تنها براساس قرارداد عمل شود، ثالثاً در بحث اجرای آرای داوری خارجی نیز، هم با استناد به کنوانسیون نیویورک و هم براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز مقررات داخلی خود، سخت‌گیری لازم را به عمل می‌آورند و از اجرای رأی داور امتناع می‌نمایند،

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

رابعاً از صلاحیت مراجع دولتی برای استماع دعوای شخص ناتوان، دفاع کرده و راهکار رسیدن به عدالت را در این می‌دانند که با اعمال مساعدت‌های قضایی و معافیت از هزینه‌های دولتی، دعوا را خود بررسی کند. به نظر پژوهشگر، این رویکرد در حقوق ایران نیز منطقی است و با اصول حقوق داوری سازگاری دارد؛ زیرا علاوه بر دلایل مذکور، توافق به داوری در هیچ حالتی، به معنای مسدود کردن راه‌حل اختلاف نیست. این راه، اصولاً به مرجع داوری ختم می‌گردد اما با تغییر شرایط و ارکان داوری اعم از موضوع، داور و نیز طرفین، به نحوی که عملاً مراجعه به داور ناممکن شود، صلاحیت مرجع قضایی اعاده می‌گردد.

۳- مبانی نظری

داوری

داوری فرایندی است که به موجب آن، اختلاف طرفین نسبت به حقوق و تکالیف قانونی خود از طریق قضاوت یک یا چند نفر به جای دادگاه حل‌وفصل می‌گردد (شیروی، ۱۳۹۶). به اعتقاد رنه داوید؛ استاد بزرگ حقوق تجارت بین‌الملل، داوری عبارت است از: فنی که هدف آن، حل‌وفصل مسائل مربوط به روابط بین دو یا چند شخصی است توسط یک چند شخص دیگر به‌نام داور یا دواران که اختیارات خود را از یک قرارداد خصوص می‌گیرند و براساس آن قرارداد رأی می‌دهند بی‌آنکه دولت چنین وظیفه‌ای به آنان محول کرده باشد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۴). متأسفانه در کشور ما در خصوص داوری تاکنون تعریف جامع و مانعی توسط قانون‌گذار ارائه نگردیده است. البته در کنوانسیون‌های بین‌المللی و آنسیترال نیز تعریفی از داوری به میان نیامده و شاید هم به جهت بدیهی بودن آن بوده است. اما در بند الف ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی، داوری تعریف شده است. در این بند آمده است: داوری عبارت است از رفع اختلافات بین متداعیین در خارج از دادگاه بوسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین یا انتصابی». متأسفانه تعریف فوق نیز کامل نمی‌باشد و دارای نواقصی است (منصوری، ۱۳۹۸).

در این قسمت به قطعیت پارادایم حقوق نوین داوری و حقوق شهروندی پرداخته شده است. مفهوم قطعی بودن آرای داوری با قطعیت آرای قضایی متفاوت است. در سیستم قضایی ایران، رأیی قطعی است که مراحل بدوی و تجدیدنظر را گذرانده یا به دلیل انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی قطعیت یافته است. هرچند که در خصوص آرای قضایی بر حسب مدعای مقنن، آرای دادگاه بدوی هم قطعی است[1]؛ لیکن به جهت وسعت قلمرو و گستره وسیع موارد تجدیدنظر، چنین ادعایی به عنوان اصل تلقی نمی‌گردد ولی در خصوص قطعیت آرای داوری، موضوع متفاوت است. اکثر مقررات داوری در مورد امکان تجدیدنظرخواهی در رأی داوری و اجابت آن توسط مرجع داوری ساکت هستند (علومی‌یزدی ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد که به طور اصولی رأی داوری چه در سطح ملّی و چه در سطح بین‌المللی، قابل تجدیدنظر نیست و مرجعی بالاتر از داوری جهت تجدیدنظر وجود ندارد. کنوانسیون واشنگتون و مرکز داوری ناشی از آن موسوم ایکسید[2] ناظر به حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی یکی از معدود متونی است که صراحتاً امکان تجدیدنظر در آرای داوری صادره را تجویز کرده است[3]. لیکن امروزه اصل قطعیت آرای داوری در سطح جهانی تثبیت گردیده و تلویحاً یا تصریحاً موردتأیید قرار گرفته است. این اصل پیشرفته حقوق داوری که به‌زعم نگارندگان، پارادایم حقوق نوین داوری محسوب می‌گردد، حائز فواید و نتایج متعددی از قبیل

۱- ماده ۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی: «آرای دادگاه‌ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل‌نقض یا تجدیدنظر باشد.»
همچنین مطابق تصریح ماده ۳۳۰ قانون آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است.

2 -ICSID

۳- ماده ۵۱ ایکسید: «هر یک از طرفین می‌توانند ضمن درخواست کتبی از دبیرکل، درخواست تجدیدنظر در حکم را نمایند.»

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

یک مرحله‌ای بودن پروسه داوری و محدودیت و تفسیر مضیق موارد استثنا بر اساس این اصل است. معمولاً انجام فرایند داوری با فرجام صدور رأی قطعی خاتمه می‌یابد. برخی از نویسندگان حقوقی به غیر از روش حل اختلاف داوری که از ارزش و امتیاز قطعیت آرای قضایی برخوردار است، سایر روش‌های جایگزین رسیدگی قضایی را اصطلاحاً تکنیک‌های ADR[1] لقب داده‌اند مانند: صلح، سازش و میانجی‌گری که وجه مشترک همه تکنیک‌های مزبور قطعیت نداشتن و الزام‌آور نبودن تصمیمات آنهاست (جنیدی، ۱۳۹۵). داوری یا حکمیت مانند روش رسیدگی قضایی، از خاصیت و جنبه ترافعی برخوردار بوده و داور یا دیوان داوری پس از رسیدگی و استماع دفاعیات و توضیحات طرفین مبادرت بر اصدار رأی می‌نماید. لذا نتیجه نهایی فرایند داوری در فاز تئوریک، صدور رأی داوری و با ماهیت قطعی است و حکم قطعی حکمی است که قابل‌اعتراض و تجدیدنظر نباشد. این مزیت مهم و جاذبه حقوق داوری که در قطعیت آرای صادره از آن متبلور می‌گردد، همسو و موافق با حقوق شهروندی هر جامعه‌ای است و مبنی بر حمایت و دفاع از حقوق و آزادی‌های غیر قابل سلب مردم و برخورداری از تمام مزایای پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات و در مانحن فیه بهره‌مندی اصحاب داوری از آن به طور یکسان است. چنانچه بند ۵۶ منشور حقوق شهروندی سال ۱۳۹۵ اشعار می‌دارد که حق شهروندان است که به منظور دادخواهی آزادانه و با سهولت به مراجع صالح (من جمله نهاد داوری) دسترسی داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از این حق محروم نمود.

اوصاف حقوقی آرای داوری عبارتند از:

- داوری، طریقه حل اختلاف: چنانچه که قبلاً اشاره شد اساساً داوری از مهمترین روش‌ها و طرق حل اختلاف فیمابین طرفین منازعه است. فرایند داوری با درخواست رسیدگی به اختلافات طرفین به صورت ترافعی آغاز و نهایتاً با صدور رأی داوری خاتمه می‌یابد. رسیدگی داوری به معنای خاص کلمه مانند رسیدگی قضایی، از خصوصیت ترافعی برخوردار است. برخلاف سایر روش‌های حل اختلاف مانند کارشناسی و میانجیگری یا مذاکره و سازش که بدون ورود به ماهیت قضیه و اختلاف و صرفاً به مساعدت یا اعلام‌نظر بسنده نموده و رأیی صادر نمی‌گردد. خصوصیت ترافعی یا اصل ترافع و تناظر در داوری مانند رسیدگی قضایی، یعنی اعطای فرصت کافی به طرفین اختلاف جهت طرح ادعاها یا امکان مناقشه آنها به طرف مقابل و استماع استدلالات و نیز بررسی استنادات ایشان است. اگرچه این اصل در هیچ یک از قوانین آیین دادرسی تصریح نگردیده جزو اصول مسلم و حقوقی است و هدف از آن، برابری طرفین و بی‌طرفی قاضی (داور) و در نهایت برقراری عدالت است. ناگفته نماند که خصوصیت مزبور بر شاکله داوری‌های عام به معنی خاص کلمه؛ یعنی روش حل اختلاف حاکم بوده و در سایر داوری‌های خاص مانند داوری جشنواره‌های فرهنگی و هنری یا داوری مسابقات ورزشی بیشتر جنبه ممیزی دارد و فاقد اثر و کارایی است؛ زیرا در این گونه موارد، هدف از داوری، بیشتر انتخاب نفرات برتر و بهتر است و داوری در مسابقات ورزشی با قوانین و قواعد خاص خود بیشتر واجد جنبه مدیریت اجرایی و انتظام مسابقات مزبور را دارد و با داوری مدنظر ما صرفاً دارای جنبه اشتراک لفظی می‌باشد و از حیطه داوری به معنی تکنیک حل اختلاف، خروج موضوعی است.

- توافقی و قراردادی بودن داوری: یکی دیگر از مبانی و اصول مسلم شناخته شده در حقوق داوری، اصل توافقی و قراردادی بودن امر داوری ناشی از قاعده اساسی حاکمیت اراده می‌باشد و بر این اساس، توافق در روابط اشخاص در هر جامعه‌ای یک اصل انکارناپذیر و عدم‌تأثیر اراده محتاج به دلیل مخصوص است (شمس، ۱۳۸۱). لذا اساساً بر مبنای این اصل مترقی در عالم حقوق، نهاد داوری تأسیس و بنیان گردیده است. ماهیت حقوقی و مبنایی آرای داوری مبتنی بر توافق دو یا چند نفر و ارجاع اختلاف به داوری و اختیاری است؛ لیکن در موارد

1- Alternative Dispute Resolution

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

نادری، داوری غیراختیاری یا اجباری نیز وجود دارد و به نظر می‌رسد که علی‌القاعده سنگ‌بنای بنیاد داوری متکی بر موافقت‌نامه داوری بوده و چنانچه موضوعی خارج از حدود و ثغور آن مورد رسیدگی داوران قرار گیرد، قابل‌ابطال است؛ زیرا فلسفه داوری و حکمیت مأخوذ و مبتنی بر اساس اختیار و آزادی اراده طرفین اختلاف است و چنانچه در مواردی اجباراً و الزاماً قوانین ارجاع اختلافات به داوری تصویب گردیده است یا اصلاً قانون مزبور عملی نشده یا متعاقباً نسخ و کنار گذاشته شده است. مانند قانون حکمیت اجباری مصوب ۱۳۰۶/۱۲/۹۲ که با تصویب قانون آیین دادرسی سال ۱۳۱۸ منسوخ و کنار گذاشته شد هرچند که موارد معدودی در قوانین داوری الزامی نیز وجود دارد.

- غیردولتی و غیرقضایی بودن آرای داوری: یکی دیگر از مبانی مهم و اوصاف آرای داوری توافق طرفین اختلاف مبنی بر رسیدگی به اختلافات ایشان خارج از سیستم محاکم دولتی یا حاکمیتی است. اساساً نهاد داوری یک روش اساسی و آلترناتیو مناسبی جهت جایگزینی رسیدگی قضایی محاکم دادگستری است. دادرسی دولتی (به معنی وسیع کلمه یعنی قوه قضاییه و حاکمیت) برخلاف داوری، مستظهر و ناشی از قوای حکومتی است. لیکن داوری از پیچیدگی‌ها و مشکلات حقوقی و از دادرسی دولتی به دور است (جنیدی، ۱۳۸۷). از این رو برخی از حقوق‌دانان معتقدند که در کنار دادرسی دولتی، نوعی دادرسی غیردولتی به وجود آمده که آن را داوری گویند و داور را قاضی خصوصی نامیده‌اند (صدرزاده، ۱۳۸۰). البته چنین اصطلاحی فاقد منطق صحیح حقوقی است؛ زیرا به اعتقاد سطور، نهاد تاریخی داوری یک روش حل اختلاف غیرقضایی و سابق بر رسیدگی‌های دولتی و قضایی است. به نظر ما با توجه به سابقه کهن و تاریخی داوری که مقدم بر رسیدگی‌های قضایی بوده است، چنین تعبیری اگر غلط فرض نکنیم، حداقل تسامح در بیان بوده است.

- قطعی و لازم الاجراء بودن آرای داوری: ماحصل نهایی فرایند داوری حداقل در فاز تئوریک، صدور رأی داوری یا ماهیت قطعی و اجرایی است که حقوق و تعهدات طرفین تعیین می‌گردد. با توجه به همین اصل مبنایی و نکته کلیدی است که داوری مرسوم در محاکم خانواده به عنوان یک روش حل اختلاف یا داوری به معنای خاص کلمه مورد تأیید قرار نگرفته است؛ زیرا منتج به صدور رأی قطعی نمی‌گردد (شهبازی، ۱۳۹۵) و رأی قطعی رأیی است که اصولاً قابل‌اعتراض و تجدیدنظر نباشد. در نظام حقوقی ایران و بیشتر کشورها و مطابق اکثر قواعد دادرسی، آرای داوری قطعی و لازم‌الاجراست که در بخش بعدی مبانی حقوقی و مصادیق قانونی آن بیان می‌گردد.

یکی از دستاوردهای مهم حقوق نوین داوری خصوصاً بعد از نیمه دوم قرن بیستم، ظهور و بروز اصل قطعیت آرای داوری است که مستدلاً به دلایل و مبانی حقوقی و نیز براهین عقلی و منطقی قابل‌درک و اثبات است. به تصمیم یا تصمیمات نهایی داور یا دیوان داوری که در ماهیت امر و اختلاف ارجاعی صادر می‌گردد، رأی داوری[1] گویند. البته تصمیم داوری[2] معنای عام دارد ولی تنها به تصمیم نهایی داور که در ماهیت امر و قاطع دعوی یا اختلاف است، رأی اطلاق می‌گردد؛ لذا تصمیمات شکلی از قبیل تعیین مقر یا زبان داوری، استماع شهادت شهود یا ارجاع امر به کارشناس و غیره، رأی نهایی داوری محسوب نمی‌گردند. در ادامه به توضیح مبانی حقوقی قطعیت آرای داوری پرداخته شده است:

- پایگاه قراردادی و جایگاه توافقی داوری: اساساً منشأ ایجابی و ایجادی داوری، اراده و خواست طرفین منازعه و انتخاب آگاهانه این روش جهت حل‌وفصل مشکلات و اختلافات پیش‌رو است. معمولاً در تمامی مقررات ملی و بین‌المللی احترام به اصل حاکمیت اراده و

1- Arbitral Award
2- Arbitral Decision

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

مهمتـرین نتیجـه حاصـله از آن؛ یعنـی اصـل آزادی قراردادها موردتوجه و تأیید قرار گرفته است. در اسناد و مقررات بین‌المللی و خصوصاً منشور سازمان ملل متحد و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به این موضوع مهم تصریحاً و تلویحاً پرداخته شده و مورد توجه قرار گرفته است (مجتهدی، ۱۳۷۱). ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر صریحاً اعلام می‌نماید که: «اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است.» در مقررات داخلی ما هم به کرات اصل حاکمیت اراده و نیز آزادی قراردادها مورد تأیید و حمایت قرار گرفته و مصداق بارز آن ماده ۱۰ قانون مدنی است. سنگ‌بنای داوری نیز متکی به موافقت‌نامه داوری و توافقات حاصله است. چنانچه حقوق‌دانان بر این امر اتفاق‌نظر داشته و اظهار داشته‌اند که ارجاع امر به داوری علی‌الاصول، اختیاری؛ یعنی مبتنی بر توافق طرفین است (شمس، ۱۳۹۵).

- رعایت سرعت و اجتناب از تشریفات زائد: بدون شک از مهمترین و اصلی‌ترین مبانی و جهات انتخاب نهاد داوری به عنوان بدیل محاکم دادگستری، حفظ رعایت سرعت در پروسه دادرسی و از دست ندادن فرصت‌ها و نیز جلوگیری از اطاله دادرسی است. رعایت اصل سرعت در عصر کنونی و در فرایند تحولات سریع اقتصادی، تجاری و صنعتی از مهمترین فاکتورهای مؤثر و تعیین کننده است؛ از این رو گفته‌اند که داوری بیشتر به این جهت به حیات خود ادامه داد که طرفین اختلاف مایل بودند منازعه آنها با تشریفات و هزینه کمتر (از دادگستری) و با سرعت بیشتر توسط اشخاصی که در انتخاب آنها دخالت داشته‌اند، حل گردد (شمس، ۱۳۹۵). توجه به اینکه داوری نسبت به رسیدگی قضایی از تشریفات کمتری برخوردار است، فقدان مقررات عموماً زمان‌بر مانند ابلاغ اوقات رسیدگی یا سایر اخطاریه‌های رفع نقص و نیز ابلاغ احکام صادره در تسریع فرایند داوری کمک‌های شایانی نموده است. بهره‌گیری از وسایل ارتباطی سریع و پیشرفته چون فاکس و پست الکترونیک یا ارسال پیامک، انجام داوری‌ها را در سریع‌ترین زمان ممکن فراهم کرده است.

- جهان‌شمولی اصل قطعیت آرای داوری: اصل قطعیت آرای داوری از شمول جهانی برخوردار بوده و مورد قبول و پذیرش تقریباً تمامی نظام‌های حقوقی و قوانین کشورها قرار گرفته است. حدود یک قرن است که داوری پس از عبور از دوره تاریخی و سنتی خود به دوره جدیدی وارد شده است. از مهمترین شاخصه‌های این دوره، پیدایش قواعد و مقررات بین‌المللی داوری و جهانی شدن آن و خصوصاً جهان‌شمولی اصل مورد نظر یعنی قطعیت آرای داوری است. به نظر می‌رسد که با توجه به جهانی شدن اقتصاد و رشد روزافزون و غیرقابل توصیف فناوری‌های پیشرفته و توسعه تجارت بین‌الملل، در آینده‌ای نزدیک عصر حقوق نوین داوری فراخواهد رسید. از اوصاف و ویژگی‌های اصلی این دوره، رشد و توسعه و تعمیم جهانی و سریع داوری و یکسان‌سازی و هماهنگی بیشتر مقررات و قواعد داوری در سطح جهانی خواهد بود. علاوه بر مقررات داوری بیشتر کشورها که حاکی از قطعیت آرای داوری آنها است، مقررات کنوانسیون‌ها مانند کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک که نقش ارزنده و مؤثری در توسعه نهاد داوری و اجرای روان آرای داوری در جهان را داشته است، تماماً حاکی و راوی جهان‌شمول بودن قاعده قطعیت آرای داوری است.

- رویکرد قانون‌گذاران: یکی دیگر از شاخصه‌ها و مبانی حقوقی قطعیت آرای داوری، رویکرد مثبت قانون‌گذاران در این خصوص بوده که نمایانگر قطعیت آرای داوری ملی و بین‌المللی است. در مجموع مقررات داخلی ما و در باب داوری، ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی تلویحاً و نیز ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی تصریحاً به قطعیت آرای داوری تأکید شده است (منصوری، ۱۳۹۸). همچنین مقررات داوری بین‌المللی، قواعد داوری مراکز و سازمان‌های داوری مقررات داوری سایر کشورها در مجموع حکایت از قطعی بودن آرای داوری را دارد که در قسمت بعد به آنها اشاره

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

خواهیم نمود. با وجود اصل قطعیت آرای داوری، برخی از آنها ممکن است من غیرحق صادر شده یا برخلاف مقررات شکلی حاکم صادر شده باشند که در خصوص مورد در مقررات داخلی و بین‌المللی تدابیری اندیشیده شده است تا ذی‌نفع بتواند با طرح دعوی ابطال یا بطلان، رأی داوری را بی‌اعتبار کند و از تضییع حقوق خود جلوگیری نماید.

مدنظر ما از قطعیت آرای داوری با قطعیت آرای قضایی به‌طور کلی متفاوت است. حسب قواعد عمومی آیین دادرسی مدنی و مستفاد از ماده ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ حکمی را که رسیدگی ماهوی دیگری نداشته باشد، قطعی گویند. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، قواعد قطعیت آرای قضایی دستخوش تغییر و تحولات اساسی گردیده، هرچند که رفته‌رفته روند تقنینی به سمت و سوی مقررات گذشته معطوف گردیده است. به موجب قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو مصوب سال ۱۳۶۴، آرای صادره از محاکم بدوی قطعی بوده، مگر در موارد ثلاثه انحصاری ماده ۱۲ این قانون؛ یعنی جایی که قاضی قطع پیدا کند که حکم صادره توسط خود وی، غیرقانونی و غیرشرعی است، قاضی دیگری قطع به این موضوع حاصل نماید یا اینکه قاضی در اصل صلاحیت رسیدگی و انشاء حکم را نداشته است. در سایر موارد اصل بر قطعی بودن رأی محاکم بدوی تلقی می‌گردد. با تصویب قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی به آنها مصوب ۱۳۶۷، محکوم‌علیه یا وکیل و قائم‌مقام قانونی ایشان می‌توانست با ادله و مدارک قابل استناد از رأی صادره تقاضای تجدیدنظر نموده و رسیدگی ماهوی مجدد را در خواست نماید. امروزه حسب ظاهر قوانین (مادتین ۵ و ۳۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹) اصل بر قطعی بودن احکام محاکم حقوقی است، مگر در مواردی که مستثنی گردیده است که البته به نظر می‌رسد به لحاظ وسعت دامنه موارد تجدیدنظر و قابل تجدیدنظر بودن اکثر احکام صادره، باورداشت این ادعا سخت و بعید است. به هر حال علی‌الاصول آرای قضایی حقوقی وقتی قطعی تلقی می‌گردد که غیرقابل تجدیدنظر باشد یا اینکه درخواست گردیده و توسط دادگاه تجدیدنظر رأی بدوی تأیید و قطعی شده باشد. لذا دیگر حسب مقررات فعلی وقتی که حکم از مرحله تجدیدنظر ماهوی صادر شود قطعی و لازم‌الاجراست (صدرزاده، ۱۳۸۰). در صورتی که مقصود از قطعیت آرای داوری، علی‌الاصول یک مرحله‌ای بودن رسیدگی و غیرقابل تجدیدنظر بودن آرای داوری است. با بیان مقدمه فوق و پس از تحلیل علمی و عقلی مبانی بحث، به بیان دلایل نقلی یا استنادی خواهیم پرداخت. بدواً به تبیین مقررات حقوق داخلی و رویکرد قانون‌گذاران ملی و سپس با رعایت ایجاز و اختصار قوانین داوری کشورهای مهم و پیشرفته و در پایان قطعیت آرای داوری را در آینه قواعد و مقررات بین‌المللی و مراکز و سازمان‌های مهم داوری جست‌وجو خواهیم کرد.

حقوق شهروندی

شهروندی همچون سایر پدیده‌های اجتماعی از تاریخی شکل گرفته و متناسب با تحولات تاریخی و اجتماعی روند تکاملی خود را طی کرده است. شهروندی از مفاهیم کلیدی در شناخت و توصیف جایگاه و وضعیت انسان حال و گذشته است. مفهوم شهروندی سه عنصر مهم حقوق، وظایف و مشارکت افراد جامعه در تعامل با دولت و حاکمیت را دربر می‌گیرد. حقوق شامل مجموعه حقوقی است که طبق قانون به افراد اعطا می‌شود. وظایف شامل مجموعه مسئولیت‌هایی است که برعهده افراد است و مشارکت هم تلاش افراد جامعه برای رسیدن به اهداف را تعیین می‌کند (کاظم‌پور، ۱۳۹۶).

شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد. شهروندی، عضویت فعال یا غیرفعال فرد در دولت با حقوق جهانی معین و برابری در تعهدات در سطح مشخص شده است. شهروندی جایگاهی اجتماعی است که در رابطه با دولت با سه نوع

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

حق شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی همراه است و منزلتی را نشان می‌دهد که با قانون اعطا می‌شود. همچنین، این مفهوم نشان می‌دهد که اشخاص به اعتبار جایگاهشان در اجتماع یا واحد سیاسی دارای حقوقی هستند. بر اساس این رویکرد، چون افراد در زندگی مشترکی سهیم می‌شوند، پس دارای حقوق و وظایفی نیز هستند. از این رو به سبب همان زندگی مشترک، خواه در فعالیت اقتصادی یا امور فرهنگی و تعهد سیاسی، همگان از لحاظ اخلاقی نسبت به یکدیگر وظایفی دارند. شهروندی در واقع شرایط عضویت در واحدی سیاسی (معمولاً دولت ملی) است که از حقوق و امتیازات ویژه کسانی محافظت می‌کند که وظایف معینی را انجام می‌دهند (لطفی و همکاران ۱۳۸۸).

ابعاد حقوق شهروندی عبارتند از (سالاری و صفوی سهی، ۱۳۹۶):

بعد مدنی: شامل موارد متعددی از قبیل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، آزادی مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض براساس جنس، نژاد، منشأ ملی یا زبانی، حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مانند حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری می‌باشد.

بعد سیاسی: حقوقی که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای آزاد حکومت، ضروری است و مواردی مانند حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت‌های سیاسی را دربر می‌گیرد.

بعد اجتماعی: شامل طیف وسیعی از حقوق مربوط به رفاه و امنیت اقتصادی است و حق زندگی طبق استانداردهای رایج زندگی در یک جامعه را شامل می‌شود. حقوق اقتصادی- اجتماعی که از آن به عضویت کامل در عرصه اجتماعی جامعه نیز تعبیر شده است و مواردی همچون حق مالکیت، حق کارکردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی- بهداشتی، بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کارافتادگی، حق داشتن مسکن، حق دسترسی به کلیه امکانات خدماتی، حق داشتن محیط‌زیست سالم و با آرامش‌های برای نسل‌های حال و آینده، توسعه حقوق محیط‌زیستی و حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی را دربر می‌گیرد.

۴- روش تحقیق

در این تحقیق، روش‌های تحقیق به عنوان یک فرایند نظام‌مند برای یافتن پاسخ به سؤالات تحقیق یا راه‌حل مسائل، با اتخاذ شیوه استدلال و تحلیل منطقی و با استفاده از متد کتابخانه‌ای، استفاده از نظر اساتید حقوق در کتب و رساله‌ها و نشریات تخصصی و نیز مدنظر قراردادن مقررات و قواعد حقوقی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف و تجزیه‌وتحلیل آنها به نتیجه‌گیری خواهیم رسید که از این جهت روش تحقیق این مقاله را باید توصیفی- تحلیلی نامید. لذا در این تحقیق تلاش شده است تا به‌طور مستوفی ابعاد مختلف مسئله مورد بحث و بررسی همه‌جانبه قرار گیرد.

۵- یافته‌های تحقیق

قطعیت آرای داوری از منظر قوانین داخلی

اصل قطعی بودن آرای داوری در حقوق موضوعه داخلی ایران، در قوانین متعدد و متکثری ظهور یافته که جهت رعایت اختصار تعدادی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین آنها در قسمت زیر اشاره شده است:

اول- مقررات آیین دادرسی مدنی در باب داوری مصوب ۱۳۷۹: در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی که ما با تأسی از نام قانون سلف آن و جهت سهولت قانون آیین دادرسی مدنی می‌نامیم، در باب هفتم از ماده ۴۵۴ لغایت ۵۰۱ به مقررات داوری اختصاص یافته است. حسب مقرر در ماده ۴۸۸ این قانون آمده است: «هرگاه محکوم‌علیه تا بیست

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

روز بعد از ابلاغ، رأی داوری را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داوری یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، مکلف است تا به درخواست طرف ذی‌نفع طبق رأی داور، برگ اجرایی صادر کند. اجرای رأی برابر مقررات قانونی است.» ملاحظه می‌شود که وفق مقررات، رسیدگی داوری یک‌مرحله‌ای است و در صورتی که محکوم‌علیه طوعاً نسبت به اجرای رأی اقدام کند، طبعاً به علت قطعی و لازم‌الاجرا بودن رأی داوری، برگ اجرایی صادر می‌گردد. از طرف دیگر بنابر دلالت مقررات عام اجرای احکام خصوصاً ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ آمده است: «هیچ حکمی از احکام دادگاه‌های دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی‌شود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آنها در مواردی که قانون معین می‌کند صادر شده باشد.» با اخذ وحدت ملاک از این ماده قانونی چنانچه رأی داوری هم قطعیت یافته باشد، طبعاً لازم‌الاجراست. لذا مجوز یا دستور صریح قانونی مندرج در ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی دایر بر تکلیف قانونی دادگاه جهت صدور اجراییه بهترین اماره و قرینه برای قطعیت آرای داوری است.

دوم- لایحه جدید قانون جامع داوری ایران (هنوز تصویب نشده است): لایحه جامع داوری توسط مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و با همیاری و مساعدت عده‌ای از متخصصین حقوق داوری کشورمان تهیه و تنظیم گردیده و حسب مسموع در حال حاضر در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی و در نوبت رسیدگی قرار گرفته است. ماده ۹۹ این لایحه پیشنهادی صریحاً مقرر داشته است که: «رأی داوری و رأی سازش صادره از سوی داور، در صورت اجتماع سایر شرایط قانونی برای طرفین و قائم مقام قانونی یا قراردادی ایشان، قطعی و لازم‌الاجرا و دارای اعتبار امر مختوم است.» مضافاً اینکه بند ۲ از ماده ۲ این لایحه و در تعریف داوری، آن را حل‌وفصل قطعی اختلاف بیان نموده است.

سوم – قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶: مقررات مندرج در این قانون در خصوص داوری‌های بین‌المللی در ایران می‌باشد و برای مواردی است که در زمان تنظیم موافقت‌نامه داوری، یکی از طرفین به موجب قوانین ایران، تبعه ایران محسوب نگردد؛ یعنی شرط بین‌المللی بودن داوری صرفاً وجود عنصر خارجی تابعیت قلمداد شده است. ماده ۳۵ این قانون به صراحت اشعار داشته است: «به استثنای موارد مندرج در مواد ۳۳ و ۳۴ آرای داوری که مطابق این قانون صادر شود قطعی و پس از ابلاغ لازم‌الاجراست.» ملاحظه می‌شود که در این قانون و با پیشرفت حقوق داوری، تصریحاً قاعده یا اصل قطعیت آرای داوری بیان گردیده است.

چهارم – مقررات داوری مراکز داوری ایران: در ایران مراکز و مؤسسات داوری زیادی وجود دارند که اکثراً غیررسمی و فاقد مجوزات لازم یا فاقد قواعد و مقررات خاص می‌باشند. البته تعدادی از آنها ممکن است در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت شده باشد لیکن اکثریت قریب‌به‌اتفاق آنها فاقد سازوکار مناسب هستند و طبعاً در جامعه مشهور و شناخته شده نمی‌باشند. مراکز داوری شناخته شده در ایران عبارتند از:

حسب شواهد و قرائن، اولین مرکز رسمی داوری سازمانی در ایران، مرکز داوری منطقه‌ای تهران است که تحت نظر سازمان حقوقی مشورتی آسیایی - آفریقایی قرار دارد. این مرکز داوری متعاقب موافقت‌نامه فیمابین سازمان مزبور و دولت ایران مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۳ ایجاد گردید و قانون تأسیس آن مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۳ به تصویب مجلس رسیده که به علت مخالفت شورای نگهبان مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۰ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است[1]. به موجب بند ۲ ماده ۱ موافقت‌نامه تأسیس این مرکز، قواعد داوری آنسیترال بر آن حاکم

۱- پس از ابلاغ قانون این مرکز توسط ریاست جمهوری در مورخه ۱۳۸۲/۳/۲۸ در روزنامه رسمی شماره ۱۶۹۸۰منتشر گردید.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

بوده و حسب بند ۲ ماده ۳۴ قواعد آنسیترال، تمام آرای داوری قطعی و لازم‌الاجراست.

بعد از مرکز داوری منطقه‌ای تهران اولین مرکز رسمی و قانونی داوری سازمانی در ایران، مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران است که مورد اقبال مردم و بیشتر تجار ایرانی قرار گرفته است. به موجب ماده ۱۰ اساسنامه این مرکز که در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، کلیه داوری‌های داخلی این مرکز تابع مقررات مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و کلیه دعاوی بین‌المللی تابع قانون داوری تجاری بین‌المللی است.

سومین و آخرین مرکز داوری شناخته شده در ایران، مرکز داوری کانون وکلای دادگستری است که پیرو تصویب اساسنامه آن در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۵/۴ هیئت مدیره این کانون رسماً تشکیل گردیده است. حسب تبصره ماده ۱ اساسنامه مزبور و نیز تصریح ماده ۲ آیین‌نامه داوری این مرکز، ابلاغ آرا و تصمیمات داوری با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی صورت خواهد گرفت. لذا آرای صادره این مرکز، قطعی و لازم‌الاجراست. البته در ایران قوانین و مقررات بسیاری در خصوص امر داوری وجود دارد که تقریباً در همه آنها بر قطعی و لازم‌الاجرا بودن آرای داوری تصریح شده است.

قطعیت آرای داوری از منظر قوانین سایر کشورها

در خصوص قطعیت آرای داوری طبعاً بررسی و تحقیق موضوع در مورد همه کشورهای جهان میسور نیست. ما در این قسمت اختصاراً و صرفاً به مقررات برخی از کشورهای پیشرو در امر داوری می‌پردازیم. در مقررات انجمن داوری آمریکا که آخرین بار در تاریخ اول سپتامبر ۲۰۰۰ اصلاح شده است، در ماده ۲۷ و در باب شکل و اثر رأی داوری مقرر کرده است که رأی باید بلافاصله (پس از رسیدگی) به صورت کتبی از سوی دیوان صادر گردد و برای طرفین قطعی و لازم‌الاجرا است. همچنین در ماده ۱۴۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۹۸۰ مقرر گردیده است که رأی داوری در خصوص اختلافی که تصمیمش بر مبنای آن است، از همان لحظه صدور قدرت اعتبار امر مختوم را داراست. ملاحظه می‌شود که رأی داوری را بلافاصله پس از صدور دارای اعتبار امر مختومه دانسته که در واقع این امر، نتیجه مستقیم و مسلم اصل قطعی بودن آرای داوری در فرانسه است. همچنین مقررات قانون داوری کشور آلمان مصوب ۱۹۹۸ که در ماده ۱۰۵۵ خود به صراحت اعلام می‌دارد که رأی داوری برای هر دو طرف اثر یکسان حکم نهایی دادگاه را دارد. به نظر می‌رسد که مفاد این قانون از قوانین و مقررات داوری سایر کشورها پیشرفته‌تر بوده و رأی داوری را عیناً جایگزین رأی قطعی محاکم نموده است. در مقررات قانون داوری و سازش هند مصوب ۱۹۹۶ که حقوق داوری آن از پیشرفت‌های چشمگیری برخوردار است، در ماده ۳۵۰ مقرر نموده است که یک رأی داوری باید نهایی (قطعی) و الزام‌آور تلقی گردد و برای طرف‌ها و اشخاصی که ادعاها و اختلافات خود را طرح کرده‌اند لازم‌الاجراست[1].

قطعیت آرای داوری در منظر قواعد و مقرررات بین‌المللی داوری

در خاتمه و در ادامه بحث دلایل قانونی یا به عبارتی قطعی و نهایی بودن آرای داوری در حوزه داوری‌های بین‌المللی به قواعد و قوانین داوری بین‌المللی و نیز مقررات مهم‌ترین مراکز داوری سازمانی اشاره شده است:

قوانین داوری بین‌المللی

مهم‌ترین قواعد و قوانین بین‌المللی داوری مربوط به مصوبات و مقررات موضوعه توسط کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد موسوم به آنسیترال می‌باشد که در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل نقش مهمی را ایفا کرده است. آنسیترال تاکنون سه سند مهم و راهبردی در مورد داوری بین‌المللی تهیه و تصویب

۱- به موجب ماده ۳۵ قانون داوری و سازش هند یک رأی داوری باید نهایی، قطعی و الزام‌آور باشد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

کرده است. در سال ۱۹۷۶ قواعد داوری، در سال ۱۹۸۵ قانون نمونه داوری تجاری بین‌المللی و در سال ۲۰۱۳ قواعد شفافیت در داوری اختلافات بین سرمایه‌گذاران و دولت‌های میزبان بر مبنای معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری (موسوم به قواعد شفافیت) که در سال ۲۰۰۶ بعد از گذشت ۲۱ سال قانون نمونه داوری تجاری بین‌الملل و در سال ۲۰۱۰ هم بعد از ۳۴ سال قواعد داوری مورد بازنگری قرار گرفت (محبی و کاویار، ۱۳۹۵).

قواعد داوری آنسیترال

این مقررات در اصل برای داوری‌های موردی تنظیم گردیده و در دیوان داوری ایران – ایالات‌متحده نیز این مقررات اعمال می‌گردد. در این مقررات بین‌المللی اصل مفروض یعنی قطعی و نهایی بودن آرای داوری صریحاً پیش‌بینی شده است. وفق ماده ۳۴ (۲) آنسیترال، تمام آرای دیوان داوری به صورت کتبی صادر شده نسبت به طرفین، قطعی و لازم‌الاجراست و توسط طرفین باید کلیه آراء بدون تأخیر اجرا گردد.

قانون نمونه داوری آنسیترال

این قانون، فقط یک متن پیشنهادی در زمینه داوری تجاری بین‌المللی است که آنسیترال با همفکری و مشورت فعالان حقوق داوری، تهیه و تصویب و به کشورهای جهان، پیشنهاد کرده است. قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ نیز با اقتباس از این قانون تنظیم گردیده است. به موجب بند ۱ ماده ۳۲ و نیز ماده ۱۳۵ این قانون رأی داور نهایی بوده و صرف نظر از کشوری که در قلمرو آن صادر شده قطعی است.

قواعد و مراکز مهم داوری بین‌المللی

همانگونه که قبلاً هم بیان شد، با توسعه و پیشرفت حقوق داوری در سطح بین‌المللی امروزه ده‌ها مراکز و سازمان‌های داوری بین‌المللی و با صلاحیت عام در بیشتر کشورها تأسیس گردیده و رفته‌رفته این مراکز داوری خصوصاً در کشورهای درحال‌توسعه رو به فزونی است. در این مقاله صرفاً به مقررات سه مرکز داوری مهم در خصوص قطعیت آرای داوری اشاره شده است:

دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی[1](ICC): بی‌تردید امروزه مهمترین و جاافتاده‌ترین مرکز داوری بین‌المللی و با صلاحیت عام، مرکز داوری ICC است. این دیوان دارای مقررات اختصاصی است و آخرین بار در سال ۲۰۱۲ مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته و نسخه جدید آن از اول ماه می ۲۰۱۲ لازم‌الاجراست. به موجب بند ۶ ماده ۲۸ مقررات این مرکز رأی داوری برای طرفین اختلاف قطعی و لازم‌الاجراست.

مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلاف سرمایه‌گذاری

(Icsid)[2]:بر خلاف بیشتر مراکز مهم داوری که توسط اتاق‌های بازرگانی تأسیس شده‌اند، ایکسید توسط یک معاهده بین‌المللی موسوم به معاهده واشنگتون تأسیس گردیده است. براساس بند ۱ ماده ۲۵ این کنوانسیون، صلاحیت این مرکز داوری شامل کلیه اختلافات حقوقی است که مستقیماً از سرمایه‌گذاری بین دولت‌های متعاهد و یک تبعه دولت دیگر متعاهد می‌باشد. مقررات این مرکز و سازمان داوری شبیه بسیاری از مراکز داوری بوده و اصول داوری آن شامل مواد ۳۶ لغایت ۶۳ این کنوانسیون می‌باشد. وفق ماده ۵۳ این کنوانسیون، حکم صادره برای طرفین الزام‌آور بوده و غیر از موارد خاصی قابل‌رسیدگی پژوهشی یا انواع دیگر نیست. ملاحظه می‌شود که در این کنوانسیون به‌طور شفاف و صریح به قطعیت رأی داوری؛ یعنی یک مرحله‌ای بودن و نیز غیرقابل تجدیدنظر و پژوهش بودن یا سایر طرق رسیدگی اعتراض‌تصریح گردیده است.

دیوان داوری ایران – ایالات‌متحده آمریکا: دیوان داوری ایران و آمریکا برخلاف سایر مراکز داوری عمومی و با صلاحیت عام، صرفاً یک مرکز داوری بین دو دولت ایران و آمریکا تقریباً یک شبه‌مرکز داوری است که در خصوص رسیدگی به اختلافات فیمابین مورخ

1- International Chamber of Commerce
2- International Center for Settelment of Investment Disputes

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

۱۹۸۱/۱/۱۹ و پیرو بیانیه‌های الجزایر تأسیس گردیده است (کاویار و مافی، ۱۳۹۲). توضیح اینکه به استناد ماده ۴ بیانیه حل‌وفصل ادعاها، تمام تصمیمات و احکام هیئت داوری قطعی و لازم‌الاجراء خواهد بود.

استثنائات قطعیت آرای داوری

گرچه اصل مفروض و ثابت ما در خصوص آرای داوری تلقی نهایی و قطعی بودن آنهاست، لیکن در صورت تضییع حقوق احد از طرفین داوری یا پایمال شدن حقوق وی برقراری موازنه منصفانه بین قطعیت آرای داوری و جلوگیری از اجرای آرای ناعادلانه امری لازم و ضروری است. نظر به مراتب عدالت اجتماعی که رکن و عمود خیمه دوام و قوام هر کشور و ملتی است اقتضاء می‌نماید که در موارد متعددی چون خطا و اشتباه بیّن داور یا کشف فسادی از قبیل ارتشا و فساد داوری یا حیله و تقلب، حق اعتراض یا تجدیدنظر را در موارد معدود و محدودی تجویز کرد. روش‌های اعتراض به آرای قطعی محاکم قضایی از طرق عادی عبارتند از: واخواهی (درمورد آرای غیابی) و تجدیدنظر و طرق فوق‌العاده عبارتند از: اعاده دادرسی، اعتراض ثالث و فرجام‌خواهی. لذا با حفظ فرضیه اصل قطعیت آرای داوری، موارد استثنائی بیان شده که در واقع موانع اجرای آرای داوری است، در قلمروی استثنائات قرار می‌گیرد.

توضیح اینکه تمام شرایط خاص و استثنایی کشف واقعیات جدید جهت درخواست تجدیدنظر باید به صراحت در قوانین و مقررات و نیز قواعد داوری بیان شده باشد. به اعتقاد هال[1] یک تصمیم گرفته شده توسط داوری ممکن است در مواردی نادیده گرفته شود. به طور خلاصه این که وقتی برای دادگاه به وضوح ثابت شود که این حکم داوری به وسیله متقلبانه و یا فساد به دست آمده است یا زمانی که حکم مزبور دارای ابهام است. البته تجدیدنظر نوعاً در قوانین داوری و نیز قواعد داوری اکثر قریب به اتفاق مراکز داوری (به جز معدودی با شرایط خاص) پیش‌بینی نگردیده است؛ زیرا با اصول و قواعد شاخص حاکم بر داوری چون اصل قطعی بودن آرای داوری مغایرت دارد و مخالف با منطق و اصول حقوقی، چون اعتبار امر مختوم یا محکوم بها، صلاحیت استثنایی و خاص مرجع داوری و نیز فراغ داور پس از صدور رأی، مخالفت و ناسازگاری آشکار دارد. چنانچه فراغ داور اقتضا دارد که داور پس از فراغ از داوری با صدور رأی، امکان ورود مجدد به موضوع را نداشته باشد (عابدیان، ۱۳۹۵).

بنابراین می‌توان گفت که تجدیدنظر از آرای دیوان‌های داوری نه به‌عنوان یک اصل بلکه به‌عنوان یک استثنا و در موارد محدودی پذیرفته شده است که موارد مذکور در ادامه خواهد آمد.

اصل عدم‌تجدیدنظرخواهی ماهوی از زاویه دیگری، خلاف خواسته طرفین داوری تلقی گردیده و برخی از نویسندگان حقوقی دراین باره گفته‌اند بازبینی یا تجدیدنظر قضایی در رأی داوری اساساً با انتظار و خواست قراردادی طرفین اختلاف و مغایرت دارد؛ زیرا توافق کرده‌اند که مرجع داوری به عنوان یک دادگاه خصوصی اتخاذ تصمیم کند (Abedian, 2011). قانون فدرال آمریکا نیز بر اصل عدم‌تجدیدنظرخواهی تأکید کرده است. قانون داوری فدرال که عملاً بر تمام داوری‌های بین‌المللی انجام شده در ایالات‌متحده حاکم است، تجدیدنظر در آرا را حتی به دلیل اشتباهات قانونی به‌طور صریح تجویز نمی‌کند (Rutledge, 2002). حتی عده‌ای از حقوق‌دانان بین‌المللی معتقدند تجدیدنظر ماهوی با ماهیت رأی داوری منافات دارد و اظهار داشته‌اند که تجدیدنظر در یک حکم داوری مغایرت با ماهیت خود داوری است؛ زیرا ممکن است در درازمدت در معرض خطر توقف قرار گرفته و بی‌اعتبار گردد (Voser & George, 2011).

همچنین اصل قطعیت آرای داوری، به معنای عدم‌نظارت قضایی نمی‌باشد بلکه مقصود آن است که پس از صدور رأی داوری، رأی مذکور دیگر قابل رسیدگی مجدد نیست. البته بر اصل مذکور استثنائاتی

1- Hall

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

وارد شده کـه مـانع از اجـرای رأی داوری مـی‌گـردد. در داوری‌های ملی رأی صادره توسـط داور ممکـن اسـت از حیـث جهـات تعیـین شـده در مـاده ۴۸۹ قـانون آیـین دادرسی مدنی و طی مدت مشخص و معـین در مـادتین ۴۸۸ و ۴۹۰ همین قانون، مورد اعتراض قرار گیرد البتـه صرف اعتراض به رأی، مانع اجـرای آن نخواهـد بـود. در صورتی که اعتراض وارد باشد، تبعاً رأی داوری هم ابطال می‌شود و در چنـین وضـعیتی، رأی دیگـر قابلیـت اجـرا نخواهد داشت. در قانون داوری تجاری بین‌المللی، رأی از جهات تعیین شده در مـاده ۳۳ و طـی مـدت مـذکور در این ماده ممکن است توسـط طـرفین مـورداعتراض قـرار گیرد و در نهایت توسط دادگاه ابطال گردد. در مـاده ۳۴ قانون مذکور نیز مواردی ذکر شده است که با وجود آنهـا دادگاه می‌تواند رأساً رأی داوری را باطل اعلام کند که در واقع ناظر به بطلان آرای داوری است. موارد اعتـراض بـه رأی داوری در لایحه جدید قـانون داوری (کـه هنـوز بـه تصویب نرسیده است) نیز تمهیداتی به عمل آمده اسـت. در سطح حقـوق تجـارت بـین‌الملـل نیـز نظـام حقـوقی اعتـراض بـه رأی داوری فـی‌الواقـع سـوپاپ اطمینـان و ضمانت مطمئن به فعالان تجاری و موجب حفـظ حقـوق آنهاست. البته همانطور که قبلاً اشاره شـد رسـیدگی بـه عنوان تأسیس حقوقی درخواست تجدیدنظر و رسـیدگی تحت عنوان درخواست ابطال به طور کلی با هم متفـاوت است. شاخصه مهم یا تفاوت اساسی رسیدگی تجدیدنظر، ورود در ماهیت دعوا و اخـتلاف و بررسـی دوبـاره آنهـا و نهایتاً اتخاذ تصمیم مقتضی است، ولـی در رسـیدگی بـه دعوای ابطال، علی‌القاعده مرجع رسـیدگی حـق ورود در ماهیت دعوا را نخواهد داشت. همچنـین مبنـای حقـوقی پذیرش اعتراض بـه رأی داوری، رعایـت نظـم عمـومی و حمایت از عدالت و عـدم‌تضـییع حقـوق احـد از طـرفین داوری است. از این رو در این خصوص گفته‌انـد هـدف از درخواست ابطـال رأی داور از دادگـاه، تجـویز رسـیدگی مجـدد بـه ماهیـت رأی داوری نیسـت، بلکـه حمایـت از عدالت و نظم عمومی است که به مورد اجرا گذاشته شود (مافی و پارسافر، ۱۳۹۱).

۶- نتیجه گیری و پیشنهاد

در دنیای کنونی و در کشـاکش روابـط گسـترده و پیچیـده اجتمـاعی و اقتصـادی، بـروز اختلافـات امـری طبیعی و غیرقابل اجتناب است. تجربـه تـاریخی گویـای انتخاب نهاد داوری به عنوان یک روش حل اختلاف برتـر و بهتر می‌باشد. البته هدف غایی و مقصود، رعایت عدالت در همه ابعاد آن می‌باشـد و ایـن معنـا بـه‌عنـوان هـدف راهبردی همواره ملحوظ نظر طرفداران انـواع روش‌هـای حل اختلاف است و هر یک از با روش‌ها یا تکنیـک‌هـای انتخابی امیدوار نیل به عدالت مطلوب می‌باشند. تنهـا دو روش قضایی و داوری منتهی و منـتج بـه صـدور رأی یـا حکم می‌گردد. در روش قضایی اعتقاد بر ایـن اسـت کـه نباید دقت را فدای سرعت کرد و فرایند دادرسـی شـامل مراحـل مختلـف رسـیدگی ماننـد بـدوی، واخـواهی، تجدیدنظر، فرجام، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث می‌باشد و رسیدگی‌های متعدد، در واقع اهتمام بر احقـاق حـق و ارتقای کیفیت، نصب‌العین دستگاه قضایی است. از طـرف دیگـر حامیـان روش دیگـر حـل اخـتلاف یعنـی داوری معتقدنـد نهـاد داوری بـه دلایـل دارا بـودن امتیـازات انحصاری همچون هزینه کمتر و رعایت اصل سـرعت بـه عنوان فاکتور تعیین‌کننده در جهـان تجـارت و اقتصـاد و اجتناب از تشـریفات زائـد و جایگـاه قـراردادی و پایگـاه توافقی داوری، آن را به آلترناتیو مناسب و بهترین بـدیل روش قضایی تبدیل کرده است.

مهم‌ترین شاخصه و ویژگی آرای داوری اصل قطعی بودن آرای داوری است. این مهم محصـول حقـوق نـوین داوری است که در سطح جهانی تثبیت گردیـده و مـورد تأیید اکثر نظام‌های حقوقی و قواعد و مقررات بین‌المللی قرار گرفته اسـت. در تقسـیم‌بنـدی ادوار تـاریخی داوری می‌تـوان گفـت کـه دوره اول داوری بـه دوران سـنتی و تاریخی داوری و قبل از قرن بیستم اطلاق می‌گـردد کـه

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

متناسب با روابط ساده جوامع ساده بشری بوده است. با گذر زمان و توسعه فعالیت‌های بازرگانی وارد دوره دوم تاریخی شده‌ایم که ویژگی بارز آن پیدایش مقررات و قواعد داوری و خصوصاً خصوصیت قطعی بودن آرای داوری در سطح جهانی است. دوره آتی، حقوق نوین داوری است که از چهره پیشرفته‌تری برخوردار بوده و احیاناً انجام داوری‌ها را به هوش برتر مصنوعی و سایر نرم‌افزارهای رایانه‌ای خواهد سپرد.

از مهمترین اوصاف حقوق آرای داوری ابتناء قراردادی و غیردولتی و غیرقضایی بودن آنهاست. علاوه بر تحلیل حقوقی مبانی قطعیت آرای داوری، مجموعاً رویکرد قانون‌گذاران داخلی و بین‌المللی حاکی از قطعی بودن آرای داوری است. روی هم رفته قواعد داوری مراکز ملی و بین‌المللی داوری نیز حکایت از داوری یک مرحله‌ای و غیرقابل تجدیدنظر بودن آرای داوری دارد که دلایل و مستندات آنها بیان گردید. مع‌الوصف به طور استثنائی تجدیدنظر در آرای داوری در صورت تصریح در موافقتنامه داوری و وفق قانون شکلی حاکم بلامانع است، هر چند که در اکثر موافقتنامه‌های داوری در این خصوص با فقدان نص صریح مواجهیم، لیکن در موارد قانونی قابلیت اعتراض به رأی داوری، صدور قرار توقف مانع از اجرای حکم خواهد بود. بنابراین فرایند داوری (برخلاف پروسه قضایی که معمولاً دو مرحله‌ای است، بدوی و تجدیدنظر) یک مرحله‌ای است و قابل واخواهی و تجدیدنظر و فرجام‌خواهی و غیره نیست. البته در مواردی که ارکان داوری دچار اشکال و ایراد است و در مواردی چون مخالفت با قوانین موجد حق یا بی‌اعتباری قرارداد یا سایر موارد قانونی تدابیری اندیشیده شده است تا با درخواست ابطال یا بطلان رأی داور، رأی صادره را بی‌اعتبار کرد. در قوانین حاضر، نواقص و اشکالات زیادی در مقررات مربوط به داوری وجود دارد و در عمل طرفین و داور نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. از معایب مقررات فعلی اینکه معمولاً پس از صدور رأی داوری، محکوم‌علیه حتی بدون داشتن دلایل کافی یا مستندات جدید به رأی صادره به عنوان درخواست رأی داوری اعتراض نموده و اختلافات فیمابین مجدداً در محاکم و نوعاً به نحو ماهوی (برخلاف قانون) مورد رسیدگی قرار گرفته که موجب اطاله بیشتر رسیدگی و تداوم اختلاف است. همچنین از دیگر اشکالات مقررات داوری اینکه بسیاری از دعاوی چون ورشکستگی و دعاوی خانوادگی و نیز دعاوی راجع به اموال عمومی و خانوادگی قابل‌ارجاع به داوری نمی‌باشد و نبود قوانین کارآمد و به‌روز و عدم‌تحول لازم در مقررات و نیز عدم‌فرهنگ‌سازی از دیگر مشکلات نهاد داوری است که پیشنهاد می‌گردد موارد مزبور در تصویب لایحه جدید داوری در مجلس شورای اسلامی مطمح‌نظر حقوق‌دانان و متخصصان حقوق داوری و نمایندگان مجلس قرار گیرد.

۷- منابع

ابراهیمی ترکمان، ابوذر. (۱۳۹۵). پیشینه و ماهیت حقوقی دیوان داوری دعاوی ایران و ایالت متحده آمریکا. *نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۲۸، ۶۹-۸۶.

امینی، عیسی؛ منصوری، عباس. (۱۳۹۷). موجه و مدلل بودن رأی داوری داخلی با نگاهی بر رویه قضایی. *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، ۶(۲۲)، ۳۵-۱۰.

جنیدی، لعیا. (۱۳۸۷). *نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی*. تهران: دانشگاه تهران.

جنیدی، لعیا. (۱۳۹۵). *اجرای آرای بازگانی خارجی*. چاپ چهارم، تهران: شهر دانش.

خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۵). موانع اقتصادی حق دادخواهی در مرجع داوری. *نشریه دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۳(۹)، ۷۰-۸۹.

سالاری، محمد؛ صفوی سهی، مریم. (۱۳۹۶). نقش نهاد شورای اسلامی شهر در اعتلای حقوق شهروندی (موردمطالعه: شورای اسلامی شهر تهران). *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۵(۳)، ۱۳۱-۱۱۳.

سروی مقدم، مصطفی. (۱۳۸۹). مقایسه جایگاه دادگاه و داوری در حل اختلافات تجاری بین‌المللی. *نشریه*

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]

آموزه‌های حقوقی دانشگاه علوم رضوی، شماره ۱۳، ۱۳۰۱۴۸.

شمس، عبدالله. (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی: دوره بنیادین*. چاپ سیم، تهران: میزان.

شهبازی‌نیا، مرتضی. (۱۳۹۵). روزنامه حمایت، مورخ ۹۵/۸/۲۶.

شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۶). *داوری تجاری بین‌المللی*. چاپ هفتم، تهران: سمت.

صدرزاده افشار، سید محسن. (۱۳۸۰). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی دادگاه‌های عمومی و انقلاب*. چاپ ششم، تهران: جهاد دانشگاهی (دانشگاه علامه طباطبائی).

عابدیان، میرحسین. (۱۳۹۵). اختیار دیوان داوری برای بازنگری و تجدیدنظر در رأی داوری، تأملی در رویه دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا، سالنامه ایرانی داوری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

علومی‌یزدی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). صلاحیت مراجع داوری برای تجدیدنظر. *نشریه پژوهش حقوق*، *۱۴*(۳۷)، ۱۰۵-۱۱۹.

کاظم‌پور، لقمان. (۱۳۹۶). سیر تحول مفهوم شهروندی در دوران باستان. *ماهنامه پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی*، *۱*(۱)، ۱۱۷-۱۳۰.

کاویار، حسین؛ مافی، همایون. (۱۳۹۲). *منابع قانونی حقوق بین‌الملل خصوصی و داوری (داخلی-بین‌المللی)*. تهران: مجد.

لطفی، حیدر؛ عدالتخواه، فرداد؛ میرزایی، مینو؛ وزیرپور، شب‌بو. (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان. *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، *۲*(۱)، ۱۰۱-۱۱۰.

مافی، همایون؛ پارسافر، جواد. (۱۳۹۱). دخالت دادگاه‌ها در رسیدگی‌های داوری در حقوق ایران. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، *۱۷*(۵۷)، ۱۰۵-۱۳۰

مجتهدی، محمدرضا. (۱۳۷۱). *مقررات بین‌المللی*. تبریز: کتاب‌سرای مولی.

محبی، محسن؛ کاویار، حسین. (۱۳۹۵). *مجموعه مقررات جدید آنسیترال درباره داوری بین‌المللی*. چاپ سوم، تهران: خرسندی.

منصوری، پریسا. (۱۳۹۸). نقش دادگاه‌های داخلی در داوری تجاری بین‌المللی. *نشریه بین‌المللی قانون یار*، ۳(۹)، ۳۲۱-۳۴۱.

هادی دارائی، محمد. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر داوری تجاری ملی و بین‌المللی. نشریه راهبرد، شماره ۴۱، ۳۵۰-۳۱۷.

هدایت‌نیا، فرج‌الله. (۱۳۸۴). نقد حکمیت در دعاوی خانوادگی از مقررات تا اجرا. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۲۷.

Rutledge, P. B. (2002). On the Importance of Institutions: Review of Arbitral Awards for Legal Errors. *Journal of International Arbitration*, *19*(2).

Voser, N., & George, A. (2011). Revision of arbitral awards. *Post-award issues. ASA special series*, *38*, 43-74.

Abedian, H. (2011). Judicial Review of Arbitral Awards in International Arbitration–A Case for an Efficient System of Judicial Review. *Journal of International Arbitration*, *28*(6).

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1399.9.33.10.2]